

## مقاله پژوهشی: تأملی بر ضرورت تشکیل دادگاه‌های اختصاصی برای رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی

محمدشهاب جلیلووند<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹

### چکیده

در نظام عدالت کیفری، شایستگی و صلاحیت دادگاه بر پایه چیستی، رسته و سنگینی بزه تعیین می‌شود که هدف آن نشان دادن چهره آسان‌گیر یا سخت‌گیر فرایند کیفری و اجرای حکم است. در این راستا، در کنار دادگاه‌های عمومی دادگستری، دادگاه‌های اختصاصی با هدف رسیدگی به جرائم خاص و یا مجرمین خاص تأسیس گردیده‌اند.

این مقاله تلاش کرده است با تبیین ضرورت‌های تأسیس دادگاهی اختصاصی برای رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی، پیش‌نیازها و ویژگی‌های دادگاه‌های اختصاصی امنیتی را مورد بررسی قرار دهد و در صدد پاسخ به این پرسش بوده که «ضرورت تشکیل دادگاه‌های اختصاصی برای رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی چیست و با فرض اثبات این ضرورت، این دادگاه‌ها چه ویژگی‌هایی دارند؟» لذا هدف مقاله احصاء ویژگی‌های دادگاه‌های اختصاصی با تبیین ضرورت تشکیل این دادگاه‌ها برای رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی است. این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و همچنین بهره‌گیری از تجارب نویسندگان در جریان امور قضایی انجام شده و روش آن توصیفی - تحلیلی می‌باشد. با توجه به نتایج، در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، دادگاه انقلاب به‌عنوان تنها محکمه کیفری اختصاصی برای رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی شناخته شده، لکن با اندکی تأمل در خصوصیات، ماهیت و کارکردهای این دادگاه مشخص شد که این مرجع واجد مؤلفه‌های یک محکمه کیفری اختصاصی تمام‌عیار و مؤثر نیست. براساس تجربه برخی از کشورهای دیگر تأسیس دادگاه اختصاصی برای رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی ضرورت دارد.

کلیدواژه‌ها: امنیت ملی، جرائم علیه امنیت ملی، دادگاه انقلاب، دادگاه‌های اختصاصی، دادگاه‌های کیفری.

۱. عضو هیأت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی دانشگاه شهید

## مقدمه و بیان مسئله

### الف. طرح مسئله

در بررسی مفهوم امنیت ملی<sup>۱</sup> به مؤلفه‌هایی مانند نسبی بودن، ذهنی بودن و تجزیه‌ناپذیر بودن این مفهوم اشاره شده است (رامهر، ۱۳۸۵: ۲۵)، لکن مهم‌تر از تعریف مفهوم امنیت ملی، چگونگی تأمین آن برای آسایش و آرامش هر چه بیشتر جامعه است. امروزه تأمین امنیت ملی، به عنوان یکی از اهداف غایی جوامع محسوب می‌شود که نهادهای گوناگونی برای تأمین آن تلاش می‌نمایند. اگر چه این امر به عنوان کارویژه اصلی نهادهای اطلاعاتی و امنیتی است، لکن آنچه مسلم است، تأمین امنیت بدون همکاری و هماهنگی همه قوا و نهادهای درون قدرت میسر نمی‌گردد. بدیهی است که امنیت فرایندی است که از درون قوه مقننه با تصویب قوانین مناسب و مؤثر آغاز می‌شود و در درون قوه مجریه با اجرای صحیح و دقیق این قوانین نضج می‌یابد و نهایتاً با اقدام به موقع و عادلانه دستگاه قضایی در برخورد با عوامل مخل امنیت به سرانجامی مطلوب خواهد رسید. لذا هر یک از قوای موجود در ساختار تفکیک قوا، به نوبه خود نقشی مهم در تأمین امنیت دارند.

چنان‌که اشاره شد یکی از نهادهای مهم در تأمین امنیت، دستگاه قضایی است و این کارویژه را از طریق دادگاه‌ها به انجام می‌رساند. از سوی دیگر، در قوه قضائیه، شایستگی و صلاحیت دادگاه بر پایه چیستی بزه تعیین می‌گردد، ولی در نظام عدالت کیفری، در برخی موارد، رسته و سنگینی بزه، سنجه تعیین دادگاه که هدف، نشان دادن چهره آسان‌گیر یا سخت‌گیر فرایند کیفری و اجرای حکم است. در این راستا، در کنار دادگاه‌های عمومی دادگستری، دادگاه‌های اختصاصی با هدف رسیدگی به جرائم خاص و یا مجرمین خاص تأسیس می‌گردند.

<sup>۱</sup> - National security

<sup>۲</sup> - Separation of powers

بر این اساس، این چالش اصلی مطرح می‌شود که آیا ضرورتی به تشکیل دادگاه‌های اختصاصی برای رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی وجود دارد و آیا تشکیل این دادگاه‌ها می‌تواند نقش مؤثری در تأمین امنیت ملی ایفا نماید؟

### ب. اهمیت و ضرورت تحقیق

۱- نظر به مأموریت‌های گوناگون دستگاه‌های اطلاعاتی در راستای تأمین امنیت ملی، یکی از ضرورت‌های محسوس امروزه در نظام حقوقی و قضایی ایران، تشکیل دادگاه‌های اختصاصی با هدف رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی است. این ضرورت از دو منظر در مأموریت‌های اطلاعاتی احساس می‌شود. نخست آنکه بعضاً مشاهده می‌شود که بازپرسان و قضات کیفری محاکم عمومی تفاوت خاصی بین جرائم علیه امنیت ملی و سایر جرائم عمومی قائل نیستند و این امر می‌تواند موجب شود که احیاناً آرائی ضعیف و غیربازدارنده در رسیدگی به جرائم امنیتی صادر گردد؛ حتی در برخی از موارد، متهمین امنیتی با قرارهای قضایی سبک مانند قرار کفالت و ... از چنگال عدالت رهایی می‌یابند.

۲- دغدغه‌ی دیگر مشهود در این فرایند؛ بعضاً ضرورت دارد که برخی از متهمین امنیتی در راستای شناسایی و اشرافیت بر اهداف اطلاعاتی و اقدامات ضدامنیتی دشمنان تحت مدیریت اطلاعاتی قرار گرفته و با قرارها و آراء تعلیقی و حتی آراء برائت از زندان آزاد گردیده و تحت رصد اطلاعاتی قرار گیرند، اما برخی از شعب دادگاه انقلاب و یا دادگاه‌های تجدیدنظر، بر محکومیت این دسته از متهمین اصرار و متهمین مذکور را به محکومیت‌های سنگین و حبس‌های طولانی مدت محکوم می‌نمایند.

در این حالت، تشکیل دادگاه‌هایی اختصاصی متشکل از مراحل بازپرسی در دادسرای ویژه، محاکم بدوی اختصاصی و دادگاه‌های تجدیدنظر که صرفاً صلاحیت اختصاصی رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی را داشته باشند می‌تواند علاوه بر رفع دغدغه‌های اطلاعاتی فوق، در مدیریت اطلاعاتی و امنیتی پرونده‌های قضایی امنیتی، نقشی بی‌بدیل و اثرگذار داشته باشد.

- ج. پرسش تحقیق: با توضیحات فوق، سؤال اصلی این پژوهش آن است که تشکیل دادگاه‌های اختصاصی برای رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی چه ضرورتی دارد و با فرض اثبات این ضرورت، این دادگاه‌ها چه ویژگی‌هایی خواهند داشت؟
- د. فرضیه تحقیق: با توجه به ماهیت اکتشافی، این تحقیق فرضیه ندارد.

## ۱. مفاهیم و مبانی نظری

### ۱-۱) انواع دادگاه‌های اختصاصی در حقوق کیفری ایران

اصل ۱۵۹ قانون اساسی صراحتاً بیان می‌کند که «مرجع رسمی تظلمات دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است». در نظام حقوقی کشور ما دادگاه‌های اختصاصی منحصرأ به وسیله قانون مصوب مجلس نمایندگان ایجاد می‌شوند (تولیت، ۱۳۷۹: ۳۰). دادگاه‌های نظامی، به عنوان تنها دادگاه اختصاصی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن اشاره شده است. به این ترتیب که اصل ۱۷۲ قانون اساسی ایران تصریح می‌کند: «برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد».

یکی دیگر از دادگاه‌های اختصاصی در حقوق کیفری ایران «دادگاه ویژه روحانیت»؛ که موجب یک قانون مصوب مجلس شورای اسلامی ایجاد نشده است بلکه این محکمه اختصاصی با دستور و نظر مقام معظم رهبری<sup>(مدظله‌العالی)</sup> در ایران تشکیل شده است، البته پس از تشکیل این دادگاه در ماده ۵۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۲۱ فروردین ۱۳۷۹ از این دادسرا و دادگاه ویژه یاد شده است، ولی این ماده، تشکیل‌دهنده این دادسرا و دادگاه نیست زیرا، همان‌طور که ماده مذکور نیز تصریح نموده است، این محکمه با نظر مقام معظم رهبری<sup>(مدظله‌العالی)</sup> و نه به موجب حکم قانون،

ایجاد شده است. این ماده بدین شرح است: «دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت که براساس دستور ولایت، رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره) تشکیل گردیده طبق اصول پنجم و ۵۷ قانون اساسی تا زمانی که رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) ادامه کار آن را مصلحت بدانند به جرائم اشخاص روحانی رسیدگی خواهد کرد و پرداخت حقوق و مزایای قضات و کارکنان آن تابع مقررات مربوط به قوه قضائیه می‌باشد».

دادگاه اختصاصی دیگر موجود در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، دادگاه انقلاب اسلامی است. در سال ۱۳۵۷ به دستور امام خمینی (ره) دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب تشکیل شد و پس از آن برای تنظیم قواعد مربوط به چگونگی تشکیل و دادرسی شعب این دادگاه، شورای انقلاب به تصویب «آیین نامه دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب» در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ اقدام نمود و پس از آن شورای انقلاب اسلامی ایران با تصویب «لایحه قانونی تشکیل دادگاه فوق‌العاده رسیدگی به جرائم ضد انقلاب» در تاریخ ۱۳ تیر سال ۱۳۵۸ به این دادگاه‌ها و جبهه‌ی قانونی داد (هاشمی، ۱۳۸۵: ۵۳۷). نهایتاً مجلس شورای اسلامی این دادگاه‌های اختصاصی را بخشی از دادگستری جمهوری اسلامی ایران قرار داد و با تصویب قانون حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های انقلاب در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۲ صریحاً حدود صلاحیت این دادگاه را معین نمود. با بررسی سابقه‌ی تشکیل دادگاه انقلاب به‌نظر می‌رسد که این دادگاه از ابتدا به‌طور موقت و برای رسیدگی به جرایم خاصی که اقتضای آن زمان ایجاب می‌کرد تشکیل شده بود و برپایه قوانین سال ۱۳۵۸ قرار بر این بود که پس از انجام این مأموریت، این دادگاه منحل شود، ولی دادگاه انقلاب تا به امروز به حیات خود ادامه داده و صلاحیت این دادگاه از آنچه بود گسترده‌تر شده است. در این خصوص می‌توان اینگونه استدلال نمود که از آنجایی که قانون اساسی در صدد ذکر مراجع و محاکم موقتی نبوده، از ذکر دادگاه انقلاب در متن قانون خودداری کرده است. اگر پذیرفته شود که

به موجب قانون عادی هم می‌توان دادگاه تشکیل داد، با پیش‌بینی دادگاه انقلاب در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، شبهه‌ای در مشروعیت آن وجود ندارد.

## ۱-۲) مبانی نظری

### ۱-۲-۱) تأملی بر کارکردهای دادگاه انقلاب به عنوان مرجع اختصاصی کیفری

#### • صلاحیت‌های قانونی دادگاه انقلاب

در زمان بررسی و تصویب قانون اساسی، با این که داسرا و دادگاه انقلاب در معرض توجه فراوان مقامات و محافل و عملکرد آن توجه همگان را به خود معطوف کرده بود، در قانون اساسی هیچ نامی از آن برده نشد ولی در جریان مذاکرات این مجلس به موقتی بودن و ضرورت انحلال دادگاه‌های انقلاب پس از رفع نیاز، اشاره شده است (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ج ۳، ۱۵۸۹-۱۵۸۸). علی‌رغم همه وجود ابهام در خصوص لزوم بقای این دادگاه، قانون حدود صلاحیت داسرا و دادگاه‌های انقلاب مصوب یازدهم اردیبهشت ۱۳۶۲، صلاحیت دادگاه انقلاب را رسیدگی به جرائم زیر تعیین کرد:

۱) کلیه جرائم علیه امنیت خارجی و داخلی و محاربه یا فساد فی‌الارض، ۲) سوء قصد به مقامات رسمی، ۳) کلیه جرائم مربوط به مواد مخدر و قاچاق، ۴) قتل و کشتار و حبس و شکنجه به‌منظور تحکیم رژیم پهلوی و سرکوب مبارزات مردم ایران به آمریت و مباشرت، ۵) غارت بیت‌المال، ۶) گران‌فروشی و احتکار ارزاق عمومی.

در نظام حقوقی ایران، دادگاه انقلاب محکمه‌ای بحث‌برانگیز است؛ به‌نحوی که برخی از نویسندگان با این استدلال که این دادگاه یک دادگاه اختصاصی است و برای تشکیل دادگاه اختصاصی باید نام آن محکمه حتماً در قانون اساسی ذکر شده باشد (مثل دادگاه نظامی در اصل ۱۷۲ و دیوان عدالت اداری در اصل ۱۷۳ قانون اساسی)، حکم به غیرمشروع بودن تشکیل دادگاه انقلاب در حقوق ایران داده‌اند (زراعت، ۱۳۷۹: ۳۳). غالب نویسندگان

معتقدند این دادگاه با توجه به احصای صلاحیتش در ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ و اصلاحی سال ۱۳۸۱ و با توجه به تعریف دادگاه اختصاصی در ماده ۴ قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام عدلیه مصوب ۲۱ رجب سال ۱۳۲۹ قمری، یک دادگاه اختصاصی است (هاشمی، ۱۳۸۵: ۴۳۲ و شمس، ۱۳۸۷: ۸۷)، اما با توجه به ویژگی‌های دادگاه‌های تخصصی که در بخش اول به آن‌ها اشاره شد، این دادگاه‌ها نه دادگاه اختصاصی بلکه شعبه‌ای از دادگاه‌های عمومی‌اند که به رسیدگی به امور خاصی اختصاص یافته‌اند؛ بنابراین با بررسی این خصوصیات و دلایل دیگر، ماهیت دادگاه انقلاب به بحث گذاشته می‌شود.

#### • ابهاماتی در اختصاصی بودن دادگاه انقلاب

هر چند که امروزه دادگاه انقلاب به عنوان تنها محکمه کیفری اختصاصی جهت رسیدگی به جرائم امنیتی در سیستم قضایی جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود، لکن با تأملی در خصوصیات و ماهیت این دادگاه مشخص می‌شود که این مرجع به هیچ عنوان واجد مؤلفه‌های یک محکمه کیفری اختصاصی تمام‌عیار نیست. همچنان‌که پیش از این نیز اشاره شد، محاکم اختصاصی در برابر دادگاه‌های عمومی (تخصصی و غیرتخصصی) شیوه‌ی دادرسی ویژه خود را دارند. به عنوان مثال، دادگاه‌های نظامی، دادگاه ویژه روحانیت، شورای حل اختلاف و دیوان عدالت اداری چنین است. این در حالی است که در دادگاه‌های انقلاب، آیین دادرسی خاصی غیر از آنچه که در سایر دادگاه‌های عمومی حاکم است، اجرا نمی‌شود و در این شعب تخصصی دادگاه‌های عمومی نیز همان قانون آئین دادرسی کیفری حاکم است.

ویژگی دیگر محاکم اختصاصی وجود مرجع تجدیدنظر مختص به خود است؛ در حالی که دادگاه‌های تخصصی مرجع پژوهش‌خواهی ویژه‌ای ندارند. طبق این ویژگی دادگاه‌های انقلاب شعب تخصصی دادگاه‌های عمومی‌اند، زیرا، مرجع تجدیدنظر از آراء صادره توسط این شعب تخصصی همان دادگاه تجدیدنظر استان است که براساس ماده ۴۲۶ قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از کلیه

آراء غیرقطعی کیفری (اعم از آراء صادره توسط دادگاه‌های عمومی و انقلاب) است. پس مرجع تجدیدنظر آراء دادگاه تخصصی انقلاب محکمه‌ی ویژه‌ای نیست. علاوه بر مطالب مذکور باید به این نکته نیز توجه داشت که همه جرائم مورد رسیدگی در دادگاه انقلاب، واجد عنوان «جرائم علیه امنیت ملی» نیست. به عبارت دیگر، رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی، بخشی از صلاحیت‌های دادگاه انقلاب است، لذا دادگاه انقلاب اسلامی را نمی‌توان یک محکمه اختصاصی کامل برای رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی محسوب نمود و صلاحیت‌های آن بیشتر به دادگاه‌های تخصصی شباهت دارد. با این وصف، خلأ دادگاهی اختصاصی و دارای صلاحیت‌های کامل و جامع برای رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی در نظام حقوق کیفری ایران کماکان باقی است.

#### ۱-۲-۲) توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در رسیدگی به جرائم امنیتی

یکی دیگر از جلوه‌های توجه خاص نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران به رسیدگی خاص به جرائم امنیتی، تاسیس شعبه امنیتی در سازمان قضایی نیروهای مسلح است. براساس اجازه صادر شده از سوی رهبر معظم انقلاب<sup>مدظله‌العالی</sup> صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در سال ۱۳۹۹ افزایش پیدا کرد و به برخی از جرائم امنیتی مرتبطین با نیروهای مسلح گسترش یافت. براساس اجازه مقام معظم رهبری<sup>مدظله‌العالی</sup> صلاحیت‌های رسیدگی سازمان قضایی نیروهای مسلح در پنج بند زیر توسعه یافته است: ۱- کلیه جرائم امنیتی مرتبط با خدمت برای نیروهای مسلح، از ناحیه کارکنان قراردادی و یا کسانی که به-طور موقت در خدمت نیروهای مسلح، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های وابسته که مشمول مقررات نیروهای مسلح نیستند. ۲- جرائم مرتبط با اطلاعات طبقه‌بندی شده نیروهای مسلح، از ناحیه اشخاصی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم نسبت به تأمین تجهیزات و تسلیحات نیروهای مسلح همکاری دارند. ۳- جرائم امنیتی کارکنان نیروهای مسلح، مرتبط با زمان اشتغال تا پنج سال پس از پایان خدمت. ۴- کلیه جرائم مرتبط با

<sup>۱</sup> - به موجب نامه دفتر معظم‌له به شماره ۱/۱۳۷۵۲/م مورخ ۱۳۹۹/۵/۲۱ ابلاغی و نامه ریاست قوه قضاییه به شماره‌ی ۹۰۰۰/۸۷۲۲۱/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۵/۱۴



سلاح و مهمات توسط کارکنان شاغل در نیروهای مسلح. ۵ - جرایم مرتبط با انجام وظایف خاص حفاظتی و انتظامی کارکنان یگان‌های حفاظت دستگاه‌های اجرایی.

همچنان‌که ملاحظه می‌شود، باتوجه به آنکه سازمان قضایی نیروهای مسلح به عنوان مرجعی اختصاصی در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود، توسعه صلاحیت‌های این سازمان به رسیدگی به جرائم امنیتی به مثابه نگاه مثبت نظام حقوقی و قضایی کشور به اختصاصی نمودن رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی است. به عبارت دیگر، ضرورت این امر به عنوان امری مهم مفروض قلمداد شده است.

### ۱-۲-۳) روند رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی در نظام قضایی ایران و خلأهای موجود

امروزه مسئولین قضایی به این نتیجه رسیده‌اند که به‌منظور رسیدگی هر چه بهتر و تخصصی‌تر به پرونده‌های کیفری، لازم است که شعب یا مجتمع‌هایی تشکیل شوند و پرونده‌های دارای ماهیت خاص و ویژه را رسیدگی نمایند. در این خصوص می‌توان ارجاع پرونده‌هایی با موضوع خاص (مانند موضوعات امنیتی) به یک شعبه توسط معاون ارجاع دادرسی و همچنین تشکیل دادرسی‌های ویژه جرایم خاص همچون دادرسی ویژه جرایم رایانه‌ای، دادرسی ویژه امور جنایی، دادرسی ویژه امور پزشکی و ... در شهرهای بزرگ کشور را اقدامی در جهت تخصصی نمودن رسیدگی‌های کیفری در نظر گرفت. تخصصی نمودن رسیدگی‌ها فواید متعددی دارد که مهم‌ترین آن؛ کاهش اشتباه قضایی ناشی از عدم آگاهی قضات از قوانین، تسریع در روند رسیدگی و احقاق حقوق متهم و رسیدن به دادرسی منصفانه است (عسگری، ۱۳۹۰: ۶۱). با این حال، رسیدگی به جرائم امنیتی در شعب تخصصی دادرسی نیز چندان نتوانسته است اهداف اطلاعاتی و امنیتی نهادهای اطلاعاتی را در پیگیری قضایی موارد امنیتی محقق نماید. چه اینکه، این شعب در ذیل دادرسی‌های عمومی تعریف می‌شوند و طبیعتاً صلاحیت‌هایی غیر از رسیدگی به پرونده‌های امنیتی دارند. علاوه بر این، پس از صدور رأی در دادگاه انقلاب (به عنوان یک مرجع اختصاصی)، رسیدگی پژوهشی به پرونده‌های امنیتی در شعب تجدیدنظر استان (که دارای

صلاحیت‌های عمومی برای رسیدگی به آراء صادره از دادگاه‌های عمومی و انقلاب است) انجام می‌شود که اهداف مسئولین امنیتی را جهت سزادهی مجرمین امنیتی و احیاناً مدیریت اطلاعاتی پرونده‌های قضایی - امنیتی محقق نمی‌کند. مراجع قضایی اختصاصی دارای دو ویژگی مهم هستند که این ویژگی‌ها مهم‌ترین وجوه برتری مراجع اختصاصی بر مراجع کیفری تخصصی‌اند: نخست آنکه مراجع اختصاصی دارای آئین دادرسی ویژه و جداگانه‌اند و همچنین دارای ساختار و سازمان مستقل‌اند. حال آنکه مراجع قضایی تخصصی بخشی از مراجع قضایی عمومی به شمار رفته و فاقد آئین دادرسی مستقل بوده و از عمومات قواعد آئین دادرسی کیفری پیروی می‌کنند. از سوی دیگر، سازمان مستقلی ندارند، بلکه درون دادگاه‌های عمومی و با هدف تخصص‌گرایی و در قالب تفکیک کار داخلی انجام وظیفه می‌کنند. با این وصف، تشکیل دادگاه‌های اختصاصی امنیتی از ابتر ماندن فرایند پیگیری و برخورد با کیس‌های امنیتی جلوگیری می‌کند و مکمل اقدامات نهادهای اطلاعاتی در راستای تأمین امنیت ملی خواهد بود.

### ۱-۲-۴) رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی در سایر نظام‌های حقوقی

همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای تشکیل دادگاه‌های اختصاصی امنیتی، تدوین و تصویب آئین دادرسی ویژه برای رسیدگی به پرونده‌های امنیتی است. امنیتی شدن آئین دادرسی کیفری، فرایندی است که در سال‌های پایانی سده بیستم و سال‌های آغازین سده کنونی با طرح آئین دادرسی افتراقی به‌ویژه در رویارویی با متهمان اقدام‌های تروریستی و جرایم سازمان‌یافته شکل گرفته و قوانین اکثر کشورها و حتی اسناد بین‌المللی که آهنگ‌پیکار با پدیده تروریسم دارند نیز در مسیر امنیتی کردن مقررات رسیدگی کیفری قرار گرفته‌اند. در عین حال، دادرسی نسبت به اتهامات تروریست‌ها، همواره با تفاوت‌ها و دوراندیشی‌هایی همراه است. از جمله این دوراندیشی‌ها، عدم رویارویی دادرسان و حتی گواهان با تروریست‌ها به دلیل تأمین جانی شهود است. به عنوان یکی از مصادیق رسیدگی‌های اختصاصی به جرائم امنیتی، می‌توان به نظام دادرسان بی‌چهره در پرو و کلمبیا در مورد رسیدگی به جرائم مواد مخدر، تروریسم، شورش و

داشتن غیرمجاز سلاح اشاره کرد. دادرسان بی‌چهره دادرسانی بودند که برای پنهان ماندن هویت خود از متهم، به دلیل اجتناب از انتقام‌جویی وی و امنیت جانی، چهره‌ی خود را می‌پوشاندند و به‌جای اسم، شماره آنان در همه اسناد دادگاه مورد استفاده قرار می‌گرفت. این موضوع در «اسناد ارسالی سازمان عفو بین‌الملل به جمهوری اسلامی ایران»<sup>۱</sup> نیز مورد تأکید قرار گرفته است (Amnesty International Publication, 1987: 32). هر چند نظام دادرسان بی‌چهره در اکتبر ۱۹۹۷ از میان رفت، اما دادرسی‌های مربوط به جرم‌های تروریستی در کشور پرو همچنان پشت درهای بسته انجام می‌شود (ibid).

در فرانسه، در رابطه با جرایم تروریستی، هیأت منصفه‌ای وجود ندارد و فقط سه قاضی وظیفه رسیدگی دارند. دلیل عمده‌ای که برای حذف هیأت منصفه وجود دارد، این است که چون متهمین جرایم تروریستی افراد ناشناخته و گمنام هستند و در بین افراد جامعه شاخ و برگ دارند، می‌توانند علیه شاهد، قاضی، هیأت منصفه و ... رفتارهای تلافی‌جویانه انجام دهند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۲۵۶۱).

رسیدگی به اتهامات امنیتی خصوصاً بزه تروریستی، بر پایه آنچه گفته شد، با رسیدگی‌های کیفری دیگر تفاوت دارد و این جدایی به‌دلیل چیستی و ویژگی‌های بزه تروریستی است، ولی برخی کشورها تروریست‌ها را نه از جهت چیستی بزه، بلکه به‌دلیل نظامی دانستن آن‌ها، در فرایند رسیدگی جداگانه نهاده‌اند که برجسته‌ترین آن‌ها، رسیدگی در دادگاه‌های نظامی است. پس از رخداد یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، در یک دستور نظامی به وزارت دفاع، اجازه رسیدگی به اتهام مظنونان تروریستی در کمیسیون‌های نظامی رسیدگی را داد. به گزارش «روسن» در مقاله «جنگ با تروریسم در دادگاه‌ها»<sup>۲</sup> افراد خارجی دستگیرشده در عملیات نظامی آمریکا علیه اقدامات تروریستی، باید به مدت ۲ سال در پایگاه دریایی گوانتانامو در بازداشت به سر برند، بدون اینکه حق دسترسی به دادگاه‌های عمومی ایالات متحده از طریق اختاریه یا جهت جبران

<sup>۱</sup> - Documents sent by Amnesty International to the Islamic Republic of Iran

<sup>۲</sup> - The war on terrorism in the courts

خسارت داشته باشند (Rosen, 2006: 106). رسیدگی به اتهام تروریسم در کمیسیون نظامی به این دلیل بود که دولت آمریکا، تروریسم را همچون جنگ می‌دانست نه بزه و با این باور توانست دیدگاه کنگره را نیز به باور خود نزدیک کند و در سال ۲۰۰۶، قانون کمیسیون‌های نظامی را به تصویب رساند. در ماده ۲ این قانون، پیش‌بینی شده که پیگرد تروریست‌ها در صلاحیت کمیسیون‌های نظامی سازگار با قانون اساسی، قانون‌های عادی و نیز مقررات درگیری‌های جنگ‌افزارانه است.

در مقابل، قانونگذار فرانسه، تروریست‌ها را مانند کسانی می‌داند که به دلیل داشتن مقام حکومتی، باید به اتهامشان در پایتخت رسیدگی شود. شایستگی دادگاه در آئین دادرسی کیفری فرانسه نسبت به اتهام بزه تروریستی بر پایه تمرکزگرایی نهاده شده است، به این شکل که «مراحل تحقیقات مقدماتی و رسیدگی ماهوی جملگی در پاریس بررسی می‌شود. حتی اگر جرم در شهر دیگری به وقوع پیوسته باشد، دادگاه آن شهر باید قرار عدم صلاحیت برای ارجاع به دادرسی پاریس صادر کند» (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۶: ۲۵۹۵).

یکی دیگر از رویه‌های معمول در دنیا، دادرسی سریع در خصوص جرائم علیه امنیت ملی است. این شیوه از دادرسی، برخی از تشریفات دادرسی عمومی را نداشته و در نتیجه، وقت و امکانات کافی برای دفاع از خود را به متهم نمی‌دهد. دادرسی سریع نزدیک به رسیدگی تفتیشی است که سریع و سری می‌باشد و در حال حاضر، گاهی نسبت به تروریست‌ها اعمال می‌گردد. براساس آنچه در «دانشنامه تروریسم»<sup>۱</sup> بیان گردیده است، در قانون ضد تروریسم اسپانیا، مصوب ۱۹۷۰، فرایند دادرسی متهمین به بزه تروریستی، باشتاب‌تر از دیگر دادرسی‌های کیفری انجام می‌شود (Thackrah, 2004: 49).

#### ۱-۲-۵) پیشینه تحقیق

تاکنون چند مقاله پژوهشی در خصوص فرایند قضایی رسیدگی به جرائم امنیتی و ضرورت تأسیس دادگاه‌های اختصاصی کیفری در ایران به رشته تحریر درآمده است. در

<sup>۱</sup> - Dictionary of Terrorism

زمینه محاکم اختصاصی کیفری مقاله‌ای با عنوان «صلاحیت تخصصی یا اختصاصی محاکم کیفری در حقوق ایران» توسط رجب گلدوست جویباری و همکاران نوشته شده است (گلدوست جویباری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۰۵-۲۴۰). این مقاله به بررسی دادگاه‌های عمومی کیفری و تبیین صلاحیت‌های تخصصی و اختصاصی محاکم پرداخته است. غلامحسین کوشکی و همکاران به بررسی صلاحیت اختصاصی دادگاه انقلاب در مقاله «نگاهی به قلمرو جرایم امنیتی در پرتو صلاحیت دادگاه انقلاب» پرداخته‌اند (کوشکی و عزیززاده سرشت، ۱۳۹۴: ۹۹-۱۲۴). مهدی اسماعیلی فرایند قضایی رسیدگی به جرائم تروریستی را در مقاله «صلاحیت رسیدگی به جرایم تروریستی در قوانین ایران» بررسی نموده است (اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۴۹-۷۰). چنانچه ملاحظه می‌شود، موضوع ضرورت تشکیل دادگاه‌های اختصاصی برای رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی تاکنون موضوع پژوهشی ویژه در نوشتارهای حقوقی ایران قرار نگرفته است؛ لذا این امر می‌تواند با تبیین ضوابط دقیق آن، به عنوان ایده‌ای نو در فضای حقوقی و قضایی کشور محسوب شود.

#### ۱-۲-۶) مدل مفهومی

مدل مفهومی این مقاله متأثر از هدف غایی آن، که به دنبال اثبات ضرورت تشکیل دادگاه‌های اختصاصی برای رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی است. از منظر نظری روندی سه مرحله‌ای را دنبال می‌کند. در این راستا در گام نخست، رهیابی به سوی اثبات ضرورت تشکیل دادگاه‌های اختصاصی و شناسایی وجوه ممیزه آن است، تا از این رهگذر، «ضرورت» و در نهایت «ویژگی» آن مورد شناسایی قرار گیرد. وجوه ممیزه این دادگاه‌ها از طریق مطالعه مروری اسناد و گفت‌وگو با صاحب‌نظران مورد احصا قرار گرفت. این وجوه ممیزه‌ی جرائم امنیتی ناظر بر محورهای ذیل است:

۱- **وسعت جرم‌انگاری در حوزه امنیت:** در حوزه امنیت، مقنن در تقابل بین آزادی و امنیت، دامن امنیت را گرفته و با جرم‌انگاری گسترده و خارج از ضوابط جا افتاده‌ی حقوق کیفری سعی در حفظ و تداوم ارزش‌های مدنظر خویش دارد. به عنوان مثال در تفکیک

جرایم محاربه و افساد فی الارض در مواد ۲۷۹ و ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ نشانی از این تلقی در مورد جرایم امنیتی به چشم می‌خورد.

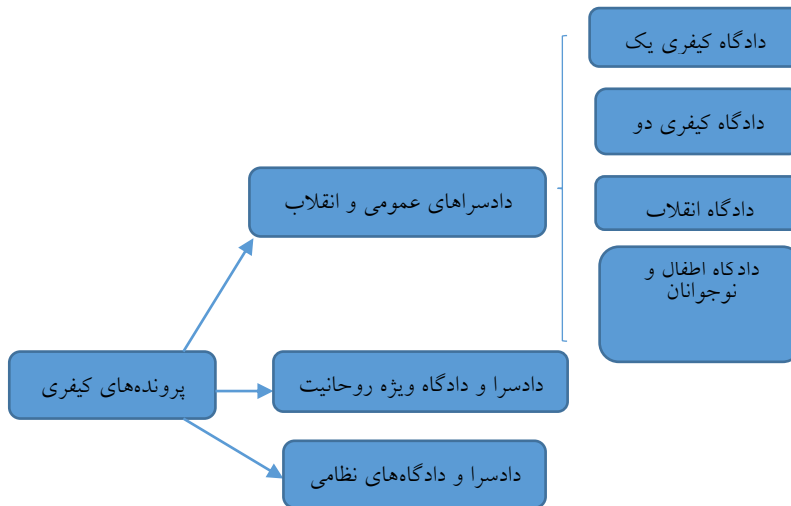
**۲- جرم‌انگاری مقدمات جرم:** در تکوین مراحل ارتکاب جرم، بزهکار مراحل زیر را طی می‌کند، ابتدا مجرم قصد ارتکاب جرم می‌کند، سپس به تهیه مقدمات جرم مبادرت می‌ورزد، بعد شروع به اجرای جرم می‌نماید و نهایتاً جرم را به مورد اجرا می‌گذارد (گلدوزیان، ۱۳۸۸: ۱۵۳) اما در جرایم امنیتی معمولاً شرایط ارتکاب جرم سهل‌تر است؛ مثلاً اگر کسی به قصد ارتکاب قتل یا سرقت طناب یا نردبان تهیه کند، وی را نمی‌توان به عنوان ارتکاب یک جرم خاص یا تحت عنوان شروع به جرم قتل یا سرقت مورد تعقیب قرار داد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۳۴)؛ اما در جرایم امنیتی مواردی وارد سیطره حقوق کیفری شده که اصولاً محلی از اعراب در این قلمرو ندارند، ولی به دلیل طبع خاص حوزه امنیت، قالب کیفری گرفته‌اند.

**۳- مطلق بودن جرایم امنیتی:** با توجه به تقسیم‌بندی که از جرایم با لحاظ نمودن عنصر مادی آن در حقوق جزای عمومی به جرایم مطلق و مقید وجود دارد (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۷۷) در حوزه امنیت جرم‌انگاری به صورت مطلق است.

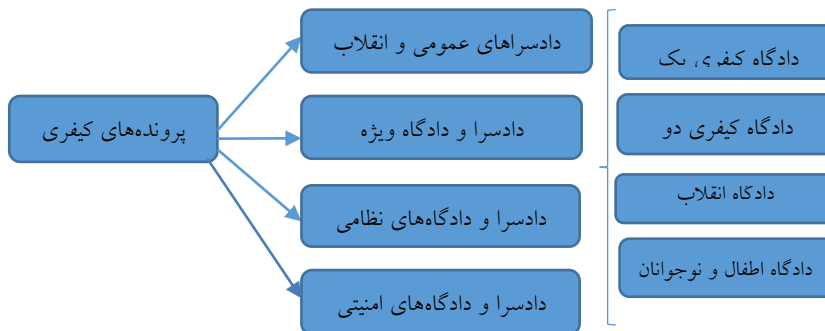
حال برپایه این وجوه، پژوهش پی‌جویی ضرورت‌ها و ویژگی‌های دادگاه‌های رسیدگی به جرائم امنیتی را در بخش‌های بعدی خود در دستورکار قرار می‌دهد.

در حال حاضر پرونده‌های کیفری در دادسراهای عمومی و انقلاب، در دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت و یا در دادسرا و دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود. در صورت وجود صلاحیت رسیدگی به پرونده در دادسراهای عمومی و انقلاب، پس از انجام تحقیقات مقدماتی در دادسراها و شعب بازپرسی، با فرض صدور قرار جلب به دادرسی، به اعتبار نوع جرم در یکی از دادگاه‌های کیفری یک، کیفری دو، دادگاه انقلاب و یا دادگاه اطفال و نوجوانان مورد رسیدگی و صدور رای قرار می‌گیرد. این مدل کنونی، در شکل شماره ۱ به نمایش گذاشته شده است، اما بنا به ضرورت‌های مورد بحث در این مقاله، دادگاه

اختصاصی برای رسیدگی به جرایم علیه امنیت ملی می‌بایست تشکیل شود که چارچوب مفهومی مقاله را تشکیل می‌دهد و در شکل شماره ۲ به نمایش گذاشته شده است.



شکل شماره ۱ مدل کنونی پرونده‌های کیفی در داسراهای عمومی و انقلاب



شکل شماره ۲ چارچوب مفهومی

## ۲) روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر روش‌شناسی، توصیفی - تحلیلی و از لحاظ هدف؛ «توسعه‌ای کاربردی» است. از ویژگی‌های تحقیق توصیفی این است که محقق دخالتی در موقعیت، وضعیت و نقش متغیرها ندارد و آن‌ها را دستکاری و کنترل نمی‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۱۱). از طرف دیگر این پژوهش یک تحقیق کاربردی است و براساس نیاز به استفاده انجام شده است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش کیفی از حیث گردآوری اطلاعات «مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای» و همچنین بهره‌گیری از تجارب نویسندگان در جریان امور قضایی است. سپس داده‌های به دست آمده، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی بررسی شد. پژوهشگر با بررسی منابع موجود و مرتبط دست اول، ضمن مطالعه دقیق، مجموعه‌ای از مقولات را کشف و با آسیب‌شناسی وضع موجود، پس از تبیین مفاهیم و تعیین خلأهای مربوط، نتایج لازم را از مطالب استخراج نموده است. پس از تبیین مفاهیم و تعیین خلأهای مربوط، نتایج لازم از مطالب استخراج خواهد شد.

### ۲-۱) تعریف متغیرهای تحقیق

#### ۲-۱-۱) تعریف نظری یا مفهومی

**امنیت ملی:** یکی از کارویژه‌های مهم حکومت‌ها ایجاد حس اطمینان و وجود امنیت جان، مال، ناموس و ... شهروندان است. به بیان دیگر منافع در جامعه وجود دارد که به همه افراد و اقشار جامعه ارتباط دارد و در صورت خدشه وارد شدن به آن به نوعی امنیت و اطمینان خاطر در جامعه متزلزل می‌گردد. امنیت ملی یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین بحث‌های موجود در هر کشور است که به‌طورکلی به شیوه حفاظت از ارزش‌های یک ملت و جلوگیری از آسیب رسیدن به ارزش‌ها بحث می‌کند (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴۲) لذا در تعریف امنیت ملی گفته شده است: «امنیت ملی شامل تعقیب روانی مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است تا از تهدیدات مستقیم



خارجی نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به-عمل آورد» (ماندل، ۱۳۸۷: ۵۲).

**جرایم علیه امنیت ملی:** برای تحقق هر جرم جمع هر سه رکن (مادی، معنوی و قانونی) لازم است. مطابق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود». در بیان رکن قانونی در جرایم علیه امنیت ملی باید گفت که در قانون ایران از امنیت تعریف خاصی نشده تا مشخص شود چه اقداماتی می‌تواند علیه امنیت تلقی شود. شاید مهمترین رکن قانونی در جرایم علیه امنیت را بتوان ماده ۵۰۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات دانست. براساس این ماده؛ هر کس با هدف برهم زدن امنیت کشور به هر وسیله اطلاعات طبقه‌بندی شده را با پوشش مسئولین نظام یا مأمورین دولت یا به‌نحو دیگر جمع‌آوری کند چنانچه بخواهد آن را در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود، اما این ماده نیز تعریفی از امنیت ارائه نکرده است و شاید بتوان گفت به این ترتیب، دست اشخاص در تفسیر موسع موضوع می‌تواند باز باشد. مواد قانونی دیگر مانند مواد ۵۱۲- ۴۵۸ قانون مجازات اسلامی، مواد ۱۹۳- ۱۸۳ و مواد ۶۱۰ و ۶۱۱ قانون مارالذکر نیز در رابطه به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور می‌باشند اما باز هم تعریفی از امنیت ملی در هیچ‌یک دیده نمی‌شود، بلکه بیشتر به بیان مصادیق از این جرم پرداخته‌اند. بنابراین تطبیق عمل متهم با مواد قانونی فوق با دادگاه و قاضی رسیدگی‌کننده می‌باشد.

**دادگاه‌های عمومی و اختصاصی:** از سوی دیگر، در یک تقسیم‌بندی کلی، محاکم دادگستری از دو دسته «عمومی» و «اختصاصی» تشکیل می‌شوند. با این وصف، در راستای شناسایی مفهوم دادگاه‌های اختصاصی ضرورت دارد که سه مفهوم متفاوت در ادبیات حقوقی مورد بررسی قرار گیرند. چنانچه اشاره شد، اولین نوع محاکم، دادگاه‌های عمومی هستند. دادگاه عمومی صلاحیت رسیدگی به هر جرمی را دارد مگر اینکه براساس نص قانون، رسیدگی به جرمی از صلاحیت آن دادگاه خارج شده باشد. دادگاه‌های اختصاصی،

اصولاً در مقابل محاکم عمومی دادگستری به کار می‌روند (شمس، ۱۳۸۷: ۷۱) و صلاحیت رسیدگی به هیچ جرمی را ندارند مگر اینکه قانون، صلاحیت رسیدگی را به صورت صریح و منصوص به آن‌ها تفویض کرده باشد. محاکم اختصاصی، به صورت استثنایی و محدود در قالب نص قانون به جرائم خاصی رسیدگی می‌کنند، بر این اساس به مراجع قضایی اختصاصی «مراجع استثنایی»<sup>۱</sup> می‌گویند. مصادیق دادگاه اختصاصی در حقوق ایران عبارتند از: دادگاه نظامی یک و دو، دادگاه انقلاب اسلامی، دادگاه انتظامی قضات برای رسیدگی به تخلفات قضات، دیوان عدالت اداری و دادگاه ویژه روحانیت.

## ۲-۱-۲) تعریف عملیاتی

**امنیت ملی:** امنیت ملی در دو گفتمان سلبی و ایجابی بیان شده است. امنیت ملی در گفتمان سلبی به پاسداری از سرزمین، حاکمیت و مردم در مقابل خطرات و تهدیدات دشمنان کشور معطوف است و گفتمان ایجابی ضمن حفظ منافع ملی، به دنبال کسب فرصت‌ها برای توسعه و پیشرفت می‌باشد (مختاری، ۱۳۹۹: ۱۳۳). در امنیت ملی ما دنبال رفع خطرات و ایجاد ایمنی برای ارزش‌های یک جامعه هستیم که در قالب یک ملت و در قلمرو یک حکومت زندگی می‌کنند و مرجع اصلی تأمین آن‌ها حکومت‌ها هستند (صالح نیا، ۱۳۹۵: ۳۹۸۴).

**جرائم علیه امنیت ملی:** در مجموعه قوانین ایران، جرائم علیه امنیت به دو دسته جرائم علیه امنیت داخلی و جرائم علیه امنیت خارجی تقسیم می‌شوند و مهم‌ترین مصادیق آن عبارت از: محاربه، بغی و افساد فی الارض، تشکیل یا اداره یا عضویت در دسته یا جمعیت به قصد برهم زدن امنیت کشور، تبلیغ علیه نظام یا به نفع گروه‌های مخالف نظام، جاسوسی و جرائم وابسته به آن، تحریک، تهدید به بمب‌گذاری وسایل نقلیه و همکاری با دول خارجی متخاصم است.

<sup>1</sup> - Specialtribunal

**دادگاه‌های عمومی و اختصاصی:** مفهوم دادگاه‌های اختصاصی نباید با مفهوم «دادگاه‌های تخصصی» اشتباه شود. دادگاه تخصصی به واقع یکی از شعب دادگاه عمومی است که به نوع خاصی از جرایم یا دعاوی رسیدگی می‌کند. به عنوان نمونه می‌توان از دادگاه‌های اطفال نام برد که در اصل شعبه‌ای از دادگاه عمومی هستند اما تخصصاً به جرائم اطفال رسیدگی می‌کنند و طبق ماده ۲۳۱ قانون آئین دادرسی کیفری، این امر (تخصصی بودن) مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن شعب نمی‌باشد. در حقوق ایران، دادگاه‌های تخصصی عبارتند از: دادگاه اطفال، دادگاه خانواده، دادگاه پزشکی و دادگاه ویژه جرایم اقتصادی.

از این رو تعین تلفیق این سه عرصه را می‌توان چنین بیان نمود که «امنیت ملی، شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی بوده و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند. در این راستا جرائم علیه امنیت ملی ناظر بر تعدی و تخریب بقاء و لطمه به ارزش‌های حیاتی رایج در جمهوری اسلامی ایران است که هدم آن، حاکمیت نظام اسلامی را با خدشه جدی مواجه می‌نماید. از این رو رسیدگی به مواردی از این دست در صلاحیت نهادی نوپدید است که به صورت اختصاصی مبتنی بر وجوه ممیزه، ضرورت‌های آن احصا شده و ویژگی‌های آن شناسایی گردد».

### ۳) تجزیه و تحلیل یافته‌ها

#### ۱-۳) ضرورت تأسیس دادگاه‌های اختصاصی امنیتی

یکی از اصول مطرح در آئین دادرسی کیفری، استثنائی بودن وجود محاکم اختصاصی است. یعنی در رسیدگی‌های کیفری اصل بر صلاحیت مراجع عمومی می‌باشد، پس اینکه قانونگذار رسیدگی به جرمی را در صلاحیت مراجع اختصاصی قرار دهد امری استثنایی است (آشوری، ۱۳۹۸: ۶۲). در مقررات کیفری ایران و در حوزه جرائم علیه امنیت، این اصل با واگذاری رسیدگی به جرائم مزبور به دادگاه انقلاب استثناء شده است. مطابق بند

الف ماده ۳۰۳ آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ رسیدگی به جرائم علیه امنیت در صلاحیت محاکم انقلاب است. این در حالی است که تنها محکمه اختصاصی در قانون اساسی دادگاه نظامی است و این امر از یک منظر حکایت از دیدگاه نویسندگان قانون اساسی در خصوص اکتفا به حداقل دادگاه‌های اختصاصی دارد. در مقابل، می‌توان چنین استدلال نمود که تشکیل و ادامه فعالیت دادگاه انقلاب به عنوان محکمه اختصاصی رسیدگی به پرونده‌های امنیتی در نظام حقوقی ایران نشان از نگاه ویژه‌ی قانون‌گذار عادی ایران به مسئله امنیت دارد و این نگاه ویژه که با تأیید شورای نگهبان (به عنوان نهاد پاسدار قانون اساسی) مواجه شده است می‌تواند حکایت از عدم مغایرت تشکیل دادگاه اختصاصی امنیتی با اصول و روح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد.

با توضیحات فوق، ضرورت تأسیس دادگاه‌های اختصاصی امنیتی از جنبه‌های ذیل قابل تأمل به نظر می‌رسد.

### ۳-۱-۱) دارا بودن ماهیت خاص و تخصصی بودن رسیدگی

هر چند که با توضیحاتی که داده شد، تخصصی بودن رسیدگی امری غیر از اختصاصی بودن آن است و این دو عنوان دارای تفاوت‌های زیادی هستند، اما شاید بتوان یکی از دلایلی را که به عنوان فلسفه و چرایی اختصاصی بودن دادرسی جرائم امنیتی مطرح نمود تخصصی نمودن رسیدگی است. به این معنی که رسیدگی به جرایم امنیتی نیز همانند سایر جرایم نیازمند تخصص و آگاهی در امور امنیتی است. هر فردی قادر به شناخت ریزه‌کاری‌ها و تمامی ابعاد جرم امنیتی نخواهد بود و لازم است قضاوت در این خصوص را یا به شخص مجرب در امور امنیتی داد و یا در فرایند رسیدگی از کارشناسان متخصص در امور امنیتی استفاده نمود و یا چنانچه قرار است قاضی عمومی به این قبیل پرونده‌ها رسیدگی نماید در این امر تخصص یابد. پس به‌طور کلی می‌توان گفت که یکی از علل و عوامل اصلی افتراقی بودن دادرسی امنیتی دارا بودن ماهیت خاص و تخصصی بودن رسیدگی است که زمینه را به‌منظور رسیدگی هر چه بهتر و سریعتر به پرونده‌های متهمین با ضریب خطای کمتر و دانش بیشتر فراهم می‌نماید.

### ۳-۱-۲) ضرورت سرعت در رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی

از دیگر دلایلی که می‌توان در بررسی علل و عوامل افتراقی بودن دادرسی امنیتی ارائه نمود اصل سرعت در رسیدگی است. ضرورت توجه به این اصل توسط برخی از حقوقدانان اروپایی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان مثال می‌توان به کتاب «قانون حقوق بشر اروپا، متن و مواد» اشاره نمود (Anthony, 2000: 19). اصل سرعت عمل در امور امنیتی به عنوان یک اصل مهم قلمداد می‌شود و بدیهی است که این اصل در زمان وقوع تهدیدات امنیتی و تروریستی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و لازم است نیروهای اطلاعاتی و امنیتی در سریع‌ترین زمان ممکن واکنش نشان داده و اقدام به مقابله نمایند. هرگونه تأخیر و سهل‌انگاری در این امر ممکن است منجر به آسیب‌های غیرقابل جبران و تهدید امنیت ملی گردد.

اصل سرعت در رسیدگی به پرونده‌های قضایی امنیتی نیز به همین میزان واجد اهمیت است. همان‌طور که توضیح داده شد سرعت عمل در امور اطلاعاتی و امنیتی یکی از اصول مهم تلقی می‌گردد و چنانچه پرونده‌ای امنیتی در مراجع قضایی مفتوح گردد، لازم است در سریع‌ترین زمان ممکن با مجرمین برخورد قانونی صورت پذیرد. در فرایند رسیدگی قضایی به اتهام متهمین امنیتی در دادرها و دادگاه‌های عمومی، به دلیل این‌که مراجع عمومی به نسبت مراجع اختصاصی با حجم بسیار بیشتری از پرونده‌ها روبه‌رو هستند، حتی اگر قرار باشد پرونده امنیتی خارج از نوبت نیز رسیدگی شود، نیازمند صرف زمان بسیار زیادی خواهد بود. تأخیر در روند رسیدگی به پرونده‌های کیفری و اطاله دادرسی هر چند تبعات متعددی را در دادرسی عمومی در بر خواهد داشت، اما این تبعات برای پرونده‌های امنیتی به مراتب بیشتر خواهد بود. علاوه بر حساسیت و اهمیت بسیار بالای امنیت برای شهروندان، یکی از آثاری که اطاله دادرسی می‌تواند داشته باشد «کم‌رنگ شدن جنبه‌ی تنبیهی و بازدارندگی مجازات برای شخص مجرم» است، به گونه‌ای که می‌توان اذعان نمود که هر چقدر مجازات مجرم دیرتر صورت پذیرد، به تبع آن اثرات مجازات نیز کاسته

<sup>1</sup> - European human rights law, text and materials

خواهد شد. به همین دلیل، گفته شده است که سرعت بخشی به فرایند کیفری، از جمله سرعت در تعقیب بزهکاران، دادرسی کیفری و اجرای مجازات، از مهمترین سازوکارهای نظام عدالت کیفری برای پیشگیری از بزهکاری است (نوریان و سلیمی، ۱۳۹۶: ۲۳۴).

با وجود مطالب فوق، این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که هرگاه سخن از رسیدگی سریع به میان می‌آید، منظور سرعت همراه با دقت و متناسب با شرایط پرونده است. سرعتی که فقط برای نمایاندن اقتدار دستگاه قضایی باشد، نافی دقت است و شتابزده خوانده می‌شود و نتیجه‌ای جز بی‌عدالتی و بعضاً صدور آراء ضعیف در بر ندارد و آثار سوء آن، اگر بیشتر از اطلاع دادرسی نباشد، کمتر از آن نخواهد بود (آتشی، ۱۳۹۲: ۷۲) به همین دلیل، برخی از حقوقدانان بر «رسیدگی در مهلت معقول» تأکید می‌کنند؛ بدین معنا که باید مدت رسیدگی از ابتدا تا انتها متعارف و معقول باشد (سنگلجی، ۱۳۸۰: ۱۲).

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در بند ۱ ماده ۶ و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در قسمت (ج) از بند ۱ ماده ۶۷ به مهلت معقول اشاره کرده‌اند (مقاله دادگاه حقوق بشری اروپا) (Lorenzi, 2013:32). بنابراین نقض مهلت معقول دادرسی دو وجهه دارد: دادرسی شتابزده و اطلاع دادرسی. دادرسی شتابزده به معنای منع رسیدگی به امر کیفری در مدتی کمتر از زمان متعارف و معقول است، به گونه‌ای که دقت فدای سرعت شود (وطنی و نرگسیان، ۱۳۹۷: ۲۷۲) لذا سرعت در پیشبرد رسیدگی‌های کیفری به معنای عجله و شتابزدگی نیست، بلکه به معنای حرکت بدون وقفه در کمترین زمان، همگام با رعایت اصول دادرسی است. از سوی دیگر، نقض مهلت معقول دادرسی منجر به «اطاله دادرسی» می‌گردد. طولانی شدن غیرمتعارف رسیدگی به پرونده‌ها در مراجع قضایی به دلایل غیرموجه در فرایند دادرسی، اعم از تحقیقات، محاکمه و اجرا را اطلاع دادرسی می‌گویند (قدمی، ۱۳۸۲: ۳۱). تسریع در دادرسی، یکی از پایه‌های اساسی تدارک یک دادرسی قوی، عادلانه و مؤثر است که بروز عواملی نسنجیده و اطاله‌زا در روند دادرسی کیفری، نه تنها مانع تحقق تسریع شده، بلکه بر شاکله دادرسی مؤثر و عادلانه نیز خدشه وارد می‌آورد.

<sup>1</sup> - European Court of Human Rights

بدیهی است که با پیش‌بینی و ایجاد محاکم اختصاصی امنیتی، این محاکم به جهت داشتن صلاحیت اختصاصی و پایین‌تر بودن جامعه‌ی آماری به نسبت مراجع عمومی، با حجم کمتری از پرونده‌ها روبه‌رو هستند و به‌همین دلیل قضات این دادگاه‌ها با فراغت بال بیشتری می‌توانند به رسیدگی به این پرونده‌ها بپردازند؛ این امر نه‌تنها منجر به بالا رفتن سرعت می‌گردد بلکه دقت در رسیدگی‌ها را نیز افزایش می‌دهد.

### ۳-۱-۳) تسهیل ارتباط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی با مرجع قضایی

یکی از مزایای دادرسی افتراقی که می‌تواند دلیلی بر اختصاصی بودن آن نیز باشد تسهیل ارتباط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی با مرجع قضایی است. منظور از این اصل این است که دادرها و دادگاه‌های امنیتی به دلیل داشتن قضات و حقوقدانان امنیتی از یک سو و تداوم ارتباط آن با نیروها، یگان‌ها، ارگان‌ها و نهادهای متعدد امنیتی، نسبت به آن‌ها آشنایی کامل داشته و به همین جهت به‌راحتی می‌توانند با آن‌ها ارتباط برقرار نمایند. در حالی که سایر مراجع قضایی این آشنایی را نداشته و ممکن است در برقراری ارتباط با آن‌ها مشکلاتی را پیش رو داشته باشند. شبیه چنین ضرورتی در دادرسی‌های اختصاصی جرائم نیروهای مسلح در دادگاه‌های نظامی نیز وجود دارد (زراعت، ۱۳۸۴: ۷۱). علاوه بر این، ضرورت جلوگیری از افشای هویت نیروهای اطلاعاتی و همچنین حفاظت از مأموریت‌ها، کیس‌ها و پرونده‌های اطلاعاتی را نیز نباید از نظر دور داشت. آنچه مسلم است، رفت و آمدهای مکرر مأمورین و کارشناسان اطلاعاتی به محاکم عمومی منجر به افشای هویت اطلاعاتی افراد خصوصاً در مناطق و شهرهای کوچک‌تر خواهد شد که این امر می‌تواند تبعات زیان‌باری برای کارشناسان و مأموریت‌های اطلاعاتی داشته باشد. بدیهی است که در این رفت و آمدها علاوه بر شناسایی مأمورین اطلاعاتی توسط عامه مراجعین دادگاه‌های عمومی، احتمال شناسایی این افراد توسط متهمین پرونده‌ها نیز تا حد زیادی افزایش یابد. گذشته از این، کارمندان و قضات محاکم عمومی نیز به دلیل کثرت و گستردگی پرونده‌ها و افراد دخیل که بعضاً منجر به درز اطلاعات دارای طبقه‌بندی حفاظتی پرونده‌ها می‌شود، می‌توانند معضل دیگری در راستای انجام هر چه بهتر مأموریت‌ها و نتایج مطلوب

کیس‌های اطلاعاتی قلمداد شوند. همچنین انجام امور مربوط به کارشناسی، معاینه محل و تحقیقات محلی در رسیدگی به برخی از پرونده‌های امنیتی نیازمند شناخت اصول و مقررات حفاظتی و امنیتی که لازم است مرجع قضایی در صدور چنین قرارهایی آشنایی کاملی نسبت به آن‌ها داشته باشد.

با عنایت به موارد مشروحه‌ی بالا، یکی از دلایل افتراقی بودن دادرسی امنیتی، لزوم ارتباط سریع‌تر، آسان‌تر و امن‌تر با کارشناسان اطلاعاتی و امنیتی است که در نتیجه اصل سرعت در رسیدگی که شرح آن گذشت را در پی خواهد داشت.

### ۳-۱-۴) لزوم واکنش کیفی مؤثر و تشدید برخورد قضایی با جرائم علیه امنیت ملی

یکی از دلایلی که می‌توان به عنوان حکمت افتراقی بودن دادرسی امنیتی مطرح نمود نیاز به تشدید برخورد قضایی با مرتکبین جرائم امنیتی است. امروزه کشورهای مختلف دنیا در صدد تشدید برخورد قضایی با جرائم امنیتی به‌ویژه جرائم تروریستی می‌باشند. به عنوان مثال حتی در حقوق فرانسه که مبتنی بر اندیشه‌های لیبرالی شکل گرفته است و به سبب ماهیت وجودی و اصول نظری خود، اعتقادی به جرم‌انگاری حداکثری ندارد نیز این مسئله از نظر دور نمانده و واقعیت‌های عملی جامعه، ضرورت ایجاد دولتی مقتدر با کارکردهای امنیتی را در این زمینه منطقی و عقلانی جلوه داده است (محمودی، ۱۳۸۲: ۲۹۶). به قول یکی از حقوقدانان، واقعیت آن است که جنبش تعدیل کیفرها در مورد مرتکبین جرائم علیه امنیت کمتر به اجرا درآمده است و هنوز شدیدترین مجازات‌ها در زرادخانه کیفری دولت‌ها به واکنش علیه جرائم علیه امنیت اختصاص دارد (مجیدی، ۱۳۸۴: ۱۵).

در قوانین ایران، عدم پیش‌بینی نهادهای ارفاقی مانند تعویق (بند «الف» ماده ۴۷) مجازات‌های جایگزین حبس (ماده ۷۱)، عدم پیش‌بینی مرور زمان (ماده ۱۰۹)، جلوگیری از ملاقات وکیل در مراحل اولیه رسیدگی (تبصره ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری) جلوه‌های تشدید مجازات در جرائم امنیتی است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۳۵).

### ۳-۱-۵) ضرورت افزایش مدت «تحت نظر» متهمین امنیتی



از جمله اقداماتی که برای پیشرفت بازجویی، اساسی و مهم تلقی می‌شود، تحت نظر قرار دادن فردی است که احتمال وقوع بزه توسط وی وجود دارد. در قوانین بسیاری از کشورها، مدت تحت نظر قرار دادن متهمین امنیتی و خصوصاً تروریستی را بیش از مدت تحت نظر متهمین عادی در نظر گرفته‌اند (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۰۶). برخی از نویسندگان حقوقی، علت افزایش مدت زمان تحت نظر برای جرائم تروریستی را ناشی از وجود دو دلیل دانسته‌اند: ۱- جرائم تروریستی معمولاً به صورت پیچیده و مخفیانه ارتکاب می‌یابند، با ابزارها و قواعد عمومی و کلی نمی‌توان اقدامی مؤثر در این زمینه انجام داد؛ از این رو، افزایش مدت تحت نظر برای بررسی دقیق‌تر برای شناسایی سایر عوامل ضروری است؛ ۲- جرائم مزبور غالباً به صورت سازمان یافته و با ابعاد بین‌المللی صورت می‌گیرند، در مواردی، لزوم به‌کارگیری امکانات دیگر از جمله استفاده از مترجمان برای انجام بازجویی زمان بیشتری را مورد نیاز خواهد داشت (مجیدی، ۱۳۸۴: ۱۶۰-۱۶۱).

در حقوق ایران نیز به تحت نظر قرار دادن متهم در برخی از مواد قانونی اشاره شده؛ در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۴۶ مقرر شده است که ضابطان دادگستری در جرائم مشهود تنها می‌توانند ۲۴ ساعت متهم را تحت نظر نگهدارند و در اولین فرصت باید مراتب را برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند. در قوانین آئین دادرسی گذشته و حال درباره ارتباط مدت تحت نظر و جرائم ارتكابی احتمالی و نیز تضمینات فرد تحت نظر مطالب خاصی بیان نشده است. اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریات متعددی در این زمینه تأکید کرده است: «منظور از تحت نظر در مقررات قانونی، بازداشت و حبس نمی‌باشد و از این رو، شخص تحت نظر زندانی نیست تا مقررات مربوط به زندان و زندان‌ها در مورد وی اعمال گردد» (اداره حقوقی قوه قضائیه نظریات مورخ ۱۳۴۶/۴/۱۱ و ۱۳۶۷/۵/۸). با این وصف، به نظر می‌رسد که در قوانین ایران نیز افزایش مدت تحت نظر متهمین امنیتی صراحتاً نفی نشده و با تشخیص مقام قضایی امکان‌پذیر است.

### ۳-۲) ویژگی‌های دادگاه‌های اختصاصی جرائم علیه امنیت ملی

#### ۳-۲-۱) وجود آئین دادرسی خاص

یکی از ویژگی‌هایی که مرجع اختصاصی را خصوصاً از دادگاه‌های تخصصی دادگستری عمومی جدا می‌کند، وجود یک روش یا آئین دادرسی خاص در دادگاه اختصاصی است (هاشمی، ۱۳۸۵: ۴۲۸). متأسفانه در نظام حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران، دادرسی امنیتی دارای آئین دادرسی خاص نبوده و آخرین قانون مصوب در این راستا همان قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است. با این وصف ضرورت تدوین و تصویب آئین دادرسی کیفری خاص برای رسیدگی به جرائم امنیتی امری مهم و راهگشا خواهد بود.

#### ۳-۲-۲) اصل تسریع در رسیدگی‌ها در دادگاه اختصاصی

در نظام دادرسی کیفری، تسریع در رسیدگی به جرم، صدور تصمیم نهایی و اجرای آن مورد انتظار افراد جامعه است. در مقررات آئین دادرسی کیفری که بخش مفصلی به ادله اثبات جرم اختصاص یافته است، باید همپای تحولات اجتماعی تغییر یابد و خود را با مقتضیات روز انطباق دهد. به عبارت دیگر، درحالی‌که مفهوم اثبات دعوی و حق تغییر نکرده است، پیشرفت تکنولوژی و علم و نیز ایجاد تشکیلات اداری مناسب سبب شده است که ضرورت انتخاب شیوه‌های جدیدی برای اثبات دعوی (یعنی شکل جدید برای محتوای ثابت) مطرح شود. بنابراین چون دلائل مبنا و رکن اساسی صدور حکم محکومیت بزهکار است، ضعف و کمبود یا فقدان آن به متهم فرصت توسل و تمسک به اصل برائت را خواهد داد. پس باوجود اهمیت دلائل، در کشف جرم و اینکه تأخیر در تحصیل آن و گذشت زمان موجب تضعیف یا بی‌اثر شدن آن می‌شود، سرعت در جمع‌آوری آن‌ها و انجام دادرسی در یک محدوده زمانی متعارف و معقول برای نظام عدالت کیفری ضرورت دارد و این ضرورت در رسیدگی به پرونده‌های امنیتی دو چندان است.

دادرسی سریع، متضمن رسیدگی خارج از نوبت و فوری به پرونده کیفری است که در ضمن رسیدگی، برخی از تشریفات رسیدگی‌های معمولی رعایت نمی‌گردد، حتی گیلیان در

مقاله «محاكمه سریع، وکیل نظامی»<sup>۱</sup> آن را به عنوان یکی از حقوق مشتکی عنه قلمداد نموده‌اند (Gilligan, 1975). درخصوص تسریع در دادرسی کیفری امنیتی، میان متخصصین حقوق کیفری اختلافی وجود ندارد. زیرا تسریع در رسیدگی به نفع جامعه است و تعقیب کیفری بزهکار امنیتی و صدور حکم و اعمال سریع مجازات نسبت به او، زمینه ارتکاب جرم را در دیگران از میان می‌برد و از بیم مجازات سریع دست به ارتکاب جرم نمی‌زنند. این روش به سودمندی مجازات‌ها از طریق ارباب و عبرت، با کیفیتی مؤثر تحقق می‌بخشد. درحالی‌که تأخیر و اطاله رسیدگی به امر کیفری و خصوصاً امنیتی، افکار عمومی را نسبت به دستگاه عدالت بی‌اعتماد می‌کند و خصوصاً در افزایش جرائم مشابه نیز بی‌اثر نیست. منافع جامعه در این است که بعد از ارتکاب جرم تا قرائن موجود است و تا موضوع شهادت از خاطر گواهان زائل نشده و متهم موفق به تبانی با آنان و شرکای احتمالی نگردیده است نسبت به تحصیل دلائل و تکمیل تحقیقات سریعاً اقدام شود. تدارک ضرر و زیان ناشی از جرم و حفظ منافع بزه‌دیده نیز با این روش به سهولت تأمین خواهد شد. به‌علاوه با توجه به بی‌طرفی تشکیلات قضایی، مصلحت بزهکار نیز ایجاب می‌نماید که اگر دلایلی به نفع او وجود داشته باشد، در جمع‌آوری آن‌ها نیز اقدام عاجل صورت گیرد تا به علل مختلف محو یا مخدوش نگردد و هرچه زودتر سرنوشت اتهام معلوم شود و از اضطراب و نگرانی رهایی یابد و درصورت محکومیت تدابیر و اقدامات اصلاحی و تربیتی زودتر آغاز شود.

از آنجاکه جوامع مختلف روز به‌روز به سوی پیشرفت تکنولوژی گام برمی‌دارند جرائم نیز حالت سنتی خود را از دست‌داده و به‌صورت پیچیده در جامعه اتفاق می‌افتند (ابراهیمی، ۱۳۷۹: ۱۸۲). در این حالت، چنانچه به جرائم علیه امنیت ملی در دادگاه‌های اختصاصی رسیدگی و در این دادگاه‌ها جهت بالابردن سطح دانش و معلومات قضات، متناسب با وضعیت و پیشرفت علوم جدید از طریق برقراری دوره‌های بازآموزی و آموزش

<sup>1</sup> - Speedy Trial, The army lawyer

ضمن خدمت، اصلاح روش کارآموزی و بازنگری در شیوه آموزش نظری و عملی آنها تلاش شود، با سرعت بهتری به جرائم امنیتی رسیدگی خواهد شد. بدیهی است که افزایش سطح معلومات حقوقی و امنیتی قضات ویژه و شاغل در محاکم اختصاصی امنیتی از ضروری‌ترین ملزومات تشکیل این محاکم است.

### ۳-۲-۳) غیرعلنی بودن دادرسی در مرجع اختصاصی امنیتی

اصل بر علنی بودن دادگاه‌ها و این اصل در قوانین متعدد تصریح شده است. بنا بر اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محاکمه‌ها باید علنی برگزار شود. در اصل ۱۶۸ قانون اساسی، رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی و با حضور هیأت منصفه است. این اصل که مورد تأکید مقررات و عهدنامه‌های بین‌المللی نیز قرار گرفته (ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۰ اعلامیه حقوق بشر و ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر)، با استثناهایی در قوانین همراه است. در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ مواردی که دادگاه باید به صورت غیرعلنی برگزار شود تصریح شده است. ماده ۳۵۲ این قانون یکی از موارد برگزاری دادگاه غیرعلنی را در شرایطی می‌داند که «علنی بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد». اصل ۱۶۵ قانون اساسی در این باره از مخالفت رسیدگی علنی با «نظم عمومی» سخن می‌گوید و قانون عادی آن را به «امنیت و احساسات مذهبی» تبدیل نموده است. شاید در نظر قانونگذار هر جرم امنیتی و مخل احساسات مذهبی بر خلاف نظم عمومی هم به‌شمار می‌رود و قانون‌گذار با این‌کار قصد تبیین حکم کلی مندرج در اصل ۱۶۵ قانون اساسی را داشته است. به اعتقاد حقوقدانان در مورد رسیدگی به جرائم امنیتی، زیان برگزاری علنی دادرسی بیش از منافع آن است؛ زیرا رسیدگی به برخی از این جرائم مانند جاسوسی، گاه مستلزم طرح و بررسی اطلاعات طبقه‌بندی شده مربوط به کشور است که آگاهی عموم به صلاح حفظ و نگهداری آن اطلاعات نیست (خالقی، ۱۳۸۳: ۴۷).

نظربه آن‌چه که در قانون آئین دادرسی کیفری مورد تأکید قرار گرفته است، غیرعلنی بودن دادرسی در مرجع اختصاصی می‌تواند به عنوان یک اصل تلقی شود؛ زیرا ذات امور

اطلاعاتی و امنیتی و ضرورت حفظ اسرار مربوط به پرونده‌های امنیتی که اصولاً دارای طبقه‌بندی حفاظتی می‌باشند، اقتضای این امر را دارد. از سوی دیگر، برای حفظ جان و هویت ضابطان امنیتی دستگاه قضایی، برگزاری جلسات غیرعلنی در محاکم اختصاصی کیفری امری ضروری است. علاوه بر این، برای حفظ امنیت گواهان و ترس از انتقام‌جویی متهم علیه این افراد یا خانواده‌هایشان، هویت گواهان را از متهم مخفی نگه می‌دارند.

### ۳-۲-۴) وجود مرجع تجدیدنظر خاص

ویژگی دیگر دادگاه‌های اختصاصی، داشتن یک مرجع تجدیدنظر خاص برای پژوهش از آرای بدوی دادگاه اختصاصی است، به نحوی که از مرجع عام تجدیدنظر از آرای محاکم عمومی متفاوت است. به عنوان مثال؛ دادگاه‌های نظامی مراجع اختصاصی محسوب می‌شوند. زیرا، به استناد ماده ۲ قانون تجدیدنظر آراء دادگاه‌ها مصوب ۱۷ مرداد ۱۳۷۲ مرجع بررسی نقض یا تأیید احکام دادگاه‌های نظامی دو، دادگاه نظامی یک همان محل می‌باشد، همچنین مرجع تجدید نظر آراء دادگاه‌های نظامی یک، دیوان عالی کشور، به عنوان عالی‌ترین مرجع قضایی کشور است. همچنین دادگاه ویژه روحانیت نیز براساس مواد ۴۹ و ۵۰ آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت دارای مرجع پژوهش‌خواهی مختص به خود به نام «دادگاه تجدیدنظر ویژه روحانیت» است.

نظربه جمیع جهات و از همه مهم‌تر مسئله ضرورت تخصصی شدن رسیدگی‌ها و آراء صادره برای پرونده‌های امنیتی، محاکم اختصاصی امنیتی نیز باید دارای مراجع تجدیدنظر خاص باشند. زیرا در صورتی که قرار باشد، آراء محاکم اختصاصی امنیتی در مراجع تجدیدنظر عادی مورد پژوهش قرار گیرند، نقض غرض خواهد بود و دادگاه‌های اختصاصی امنیتی از اهداف و فلسفه وجودی خود دور می‌شوند.

### ۳-۲-۵) داشتن ضوابط خاص در تخفیف و تبدیل مجازات

یکی از علل مطرح در تحلیل و نقد افتراقی بودن دادرسی امنیتی؛ موضوع داشتن ضوابط خاص در زمینه تخفیف و تبدیل مجازات‌ها است. به عنوان مثال، قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، به عنوان قانون ویژه محکمه اختصاصی نظامی، از اولین قوانینی است که

در مواد متعددی در خصوص شیوه تخفیف و تبدیل صحت و آن را قانونمند کرده که در زمان تصویب خود در سایر قوانین وجود نداشته و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با الهام از این قانون نسبت به قانونمند کردن نظام تخفیف و تبدیل مجازات اقدام کرده است. داشتن ضوابط خاص تخفیف و تبدیل مجازات در محاکم اختصاصی امنیتی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این نهادهاست. ضرورت مدیریت کیس‌های اطلاعاتی و امنیتی و همچنین فراهم نمودن تمهیداتی برای عملیات فریب در مقابله با سایر تهدیدهای امنیتی احتمالی، اقتضای آن را دارد که متهمین این‌گونه از جرائم در برخی از موارد و با تشخیص کارشناسان زبده اطلاعاتی و امنیتی در فرایندی خاص و خارج از رویه‌های معمول دادرسی عمومی مورد تخفیف و تبدیل مجازات قرار گیرند و امکان نیل دستگاه اطلاعاتی به اهداف مهم‌تر فراهم آید.

### ۳-۲-۶) بهره‌گیری از صلاحیت فراسرزمینی در مورد مرتکبین جرائم علیه امنیت ملی

یکی از ویژگی‌های قابل‌ذکر در جرائم علیه امنیت ملی، فراسرزمینی بودن مقررات کشورها در مورد مرتکبین این جرائم است، بدین معنی که مجازات اعمال صرف‌نظر از بعد مکانی (داخل یا خارج از حاکمیت کشورها) صورت می‌گیرد. ماده ۵ قانون مجازات اسلامی در این خصوص تصریح می‌نماید: «هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر یا جرائم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجراء شده را محاسبه می‌کند: الف- اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران...».

اساساً بهره‌گیری از قوانین فراسرزمینی در محاکم عمومی کیفری امری استثنایی است که به ندرت اتفاق می‌افتد. اما آنچه مسلم است، در نظام دادگاه‌های اختصاصی امنیتی این امر ضرورتی انکارناپذیر داشته و رویه‌ای که ممکن است با توجه به ویژگی‌های خاص متهمین امنیتی به دفعات مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

### ۳-۲-۷) بهره‌گیری از قضات و کارمندان آموزش دیده و آشنا به مفاهیم امنیتی

یکی از چالش‌های فرایند پیگیری کیس‌های اطلاعاتی و امنیتی، عدم وجود زبان مشترک و مفاهیم دوسویه بین کارشناسان اطلاعاتی و مقامات قضایی است. کارشناسان اطلاعاتی با دغدغه تأمین امنیت، درصدد به نتیجه رساندن کیس‌های جاری و مقامات قضایی با تکیه بر مفاهیم لایتغیر حقوقی و قانونی مترصد اجرای عدالت صرفاً در چهارچوب قوانین و مقررات می‌باشند. بدیهی است که در این وضعیت، در مواردی ادامه پیگیری کیس‌های اطلاعاتی با چالش مواجه و یا بعضاً زحمات چند ماهه و حتی چند ساله نهادهای اطلاعاتی زائل می‌گردد.

با توجه به موارد فوق، یکی از شاخصه‌های قطعی دادگاه‌های اختصاصی امنیتی، بهره‌گیری از قضات و کارمندان آموزش دیده و آشنا به مفاهیم امنیتی است. بدیهی است که به عنوان مثال، ۱- در رسیدگی به پرونده‌های مربوط به گروهک‌های تکفیری و تروریستی، آشنایی قاضی با سوابق و اندیشه این گروه‌ها و شناسایی دقیق خطرات افکار تکفیری کمک شایانی در روند کار قضایی، حصول عدالت و تأمین امنیت خواهد نمود. ۲- رسیدگی دقیق، عالمانه و عادلانه به پرونده‌های جاسوسی بدون آشنایی با مفاهیم و ادبیات ضدجاسوسی امکان‌پذیر نخواهد بود.

### ۳-۳) بیم‌ها و امیدهای تشکیل دادگاه‌های اختصاصی برای رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی

به‌رغم ضرورت‌هایی که برای تشکیل دادگاه‌های اختصاصی برای رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی وجود دارد، افتراقی نمودن امر قضاء در خصوص طیف خاصی از متهمان همواره می‌تواند محل تأمل و دغدغه باشد (حاجیانی، حسنی و رضوی، ۱۳۹۷: ۵۷). برخی از این ابهامات به شرح ذیل قابل بحث و بررسی است:

۱- این مسئله مطرح شود که این دادگاه‌ها که اصولاً از اصل علنی بودن دادرسی تبعیت نمی‌کنند، می‌توانند به محملی برای تسویه حساب‌های سیاسی در درون حاکمیت مبدل گردند. پاسخ این دغدغه را باید با تأکید بر این مطلب داد که اساساً پیش‌نیاز شکل‌گیری

دادگاه‌های اختصاصی برای رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی، تفکیک «جرم سیاسی» از «جرم امنیتی» است. بدیهی است که وقتی این تفکیک با دقتی عمیق در نظام حقوقی صورت پذیرد، دغدغه مذکور خالی از وجه خواهد بود. ۲- تأکید بر اصل سرعت در رسیدگی در دادگاه‌های فوق به مثابه شمشیری دو لبه عمل خواهد کرد و موجب کاهش دقت در رسیدگی خواهد شد. در پاسخ باید تأکید نمود که اصل سرعت در رسیدگی هرگز به معنای کاهش دقت نخواهد بود و اتفاقاً افتراق بخشی از متهمان خاص از متهمان عمومی به منزله کاهش تراکم پرونده‌ها در شعب فوق بوده و لاجرم سرعت در رسیدگی‌ها محقق خواهد شد. ۳- عدول این دادگاه‌ها از برخی از اصول دادرسی منصفانه می‌تواند منجر به خدشه بر اصل قانونی بودن جرم و مجازات گردد. در مقابل می‌توان چنین استدلال نمود که نفس رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات از ضروریات اولیه تشکیل هرگونه محکمه کیفری است و این امر از طریق فعال نمودن سیستم نظارتی (درون قوه قضائیه) بر دادگاه‌ها محقق خواهد شد و اختصاصی به محاکم امنیتی ندارد. چه این که این بیم نسبت به سایر محاکم اختصاصی و حتی عمومی نیز متصور است و نفی‌کننده ضرورت امر نیست. ممکن است تشکیل دادگاه‌های اختصاصی برای رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی به منزله دخالت نهادهای مجری به امور قضایی قلمداد شده و منجر به خدشه بر اصل تفکیک قوا تلقی گردد. پاسخ این ابهام نیز روشن است. اساساً در نظام‌هایی که اصل تفکیک قوا به عنوان یکی از ضروریات امر حکمرانی پذیرفته شده و در سایر شئون حکومتی ساری و جاری گردیده، این ابهام سالبه به انتفای موضوع است. از دیگر سو بنا نیست که در دادگاه‌ها نهادهای مجری به امور قضایی دخالت کنند، بلکه تحقیقاً امر دادرسی با رعایت اصل استقلال قضایی توسط قضات متخصص و آشنا به مفاهیم امنیتی انجام خواهد شد. ۵- رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی در دادگاه‌های اختصاصی منجر به نقض حقوق شهروندی متهمان گردد. در مقابل باید به این نکته مهم اشاره نمود که یکی از پیش‌نیازهای اساسی تشکیل دادگاه‌های مذکور، تدوین آئین دادرسی افتراقی و ویژه این دادگاه‌هاست (ضیایی چاهگاهی، جمشیدی و آشوری، ۱۳۹۹: ۲۹۸). بدیهی است که ضرورتاً در این



قانون باید همه جوانب حقوق شهروندی به عنوان یک اصل خدشه‌ناپذیر مورد مذاقه قرار گرفته و تحت نظارت عالی‌ه نهاد‌های صالح به موقع اجرا گذارده شود.

#### ۴. نتیجه‌گیری

وجود نهاد‌های قضایی مقتدر و خاص، عاملی مؤثر در تأمین امنیت ملی است و از این‌رو تأسیس دادگاهی اختصاصی برای رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی ضرورتی انکارناپذیر خواهد داشت. تجربه برخی از کشورها نیز مؤید همین مطلب است.

اگرچه امروزه در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، دادگاه انقلاب به عنوان تنها محکمه کیفری اختصاصی جهت رسیدگی به جرائم امنیتی شناخته می‌شود، لکن با اندکی تأمل در خصوصیات، ماهیت و کارکردهای این دادگاه مشخص می‌شود که این مرجع واجد مؤلفه‌های یک محکمه کیفری اختصاصی تمام‌عیار و مؤثر نیست.

در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش که «تشکیل دادگاه‌های اختصاصی برای رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی چه ضرورتی دارد و با فرض اثبات این ضرورت، این دادگاه‌ها چه ویژگی‌هایی خواهند داشت؟» باید گفت در نظام قضایی ایران، با تخصصی شدن محاکم خصوصاً در مرحله تحقیق و دادرسی، ضرورت داشتن نگاهی ویژه به پرونده‌های خاص امنیتی به رسمیت شناخته شده است، لکن به هر حال، مراجع قضایی تخصصی بخشی از مراجع قضایی عمومی و فاقد آئین دادرسی مستقل و از سوی دیگر، فاقد سازمان مستقل بوده و در درون دادگاه‌های عمومی و با هدف تخصص‌گرایی انجام وظیفه می‌کنند.

در تبیین ویژگی‌های دادگاه‌های اختصاصی جرائم امنیتی می‌توان به مواردی چون: وجود آئین دادرسی خاص، اصل تسریع در رسیدگی‌ها در دادگاه اختصاصی، غیرعلنی بودن دادرسی در مرجع اختصاصی امنیتی، وجود مرجع تجدیدنظر خاص، داشتن ضوابط خاص در تخفیف و تبدیل مجازات، بهره‌گیری از قوانین فراسرزمینی در مورد مرتکبین

جرائم علیه امنیت ملی و بهره‌گیری از قضات و کارمندان آموزش‌دیده و آشنا به مفاهیم امنیتی، اشاره نمود.

آنچه مسلم است، ضرورت‌های تشکیل دادگاه‌های اختصاصی امنیتی باید به باوری عمومی برای مسئولین نهادهای گوناگون نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود و این امر بدون همکاری و هم‌اندیشی قوای سه‌گانه خصوصاً با محوریت وزارت اطلاعات به عنوان نهاد اصلی متولی تأمین امنیت ملی محقق نخواهد شد.

ضرورت دارد که در مقالات جداگانه‌ای، ماهیت جرایم امنیت ملی و آئین دادرسی آن‌ها و ضرورت تفکیک جرائم سیاسی از جرائم امنیتی به عنوان یکی از لوازم تشکیل دادگاه‌های اختصاصی امنیتی مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

در این راستا پیشنهادهای کاربردی زیر برای اجرایی‌شدن تشکیل دادگاه‌های اختصاصی ارائه می‌گردد:

- بازتعریف حدود و ثغور جرایم علیه امنیت ملی و تفکیک مرزهای مفهومی آن از جرم سیاسی
- تدوین لایحه قضایی مناسب برای تشکیل این دادگاه‌ها توسط قوه قضائیه و ارسال آن برای تصویب نهایی در مجلس شورای اسلامی
- تبیین شاخص‌ها و الزامات تشکیل این دادگاه در کمیسیون‌های حقوقی و قضایی و امنیت ملی مجلس شورای اسلامی
- تربیت قضات آشنا به مفاهیم امنیتی و اطلاعاتی در قالب تعریف همکاری‌های مشترک میان قوه قضائیه و نهادهای امنیتی کشور
- تدوین و تصویب آیین دادرسی اختصاصی برای اداره امور این رسته از مراجع کیفری
- بسترسازی اجتماعی برای اقناع وجدانی عامه جامعه در راستای پذیرش هویت و موجودیت این دادگاه اختصاصی

## فهرست منابع و مآخذ

### الف. منابع فارسی

- آتشی، المیرا (۱۳۹۲)، *مهلت معقول در فرایند کیفری*، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- آشوری، محمد (۱۳۹۸)، *آیین دادرسی کیفری*، تهران، انتشارات سمت، چاپ بیست و یکم، جلد دوم.
- ابراهیمی، زین العابدین (۱۳۷۹)، *بررسی علل اطاله دادرسی در محاکم عمومی جمهوری اسلامی ایران*، نشریه حقوقی دادگستری، شماره ۳۲، ۱۷۳-۱۸۶.
- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴)، *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ج ۳، چاپ اول.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۳)، *نگهداری تحت نظر*، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، تهران: نشر سمت، ۲۰۲-۲۲۳.
- اسماعیلی، مهدی (۱۳۹۵)، *صلاحیت رسیدگی به جرایم تروریستی در قوانین ایران*، فصلنامه حقوقی دادگستری، شماره ۹۴، ۴۹-۷۰.
- تولیت، سیدعباس (۱۳۷۹)، *صلاحیت عام محاکم دادگستری و صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی*، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، بهار و تابستان، ش ۱۷ و ۱۸، ۲۷-۵۵.
- جمشیدی، علیرضا، مدیری، مهدی، موسوی، میرنجف و محمدی میرصادق (۱۴۰۰)، *تبیین اثرات سالخوردگی جمعیت در امنیت ملی ایران*، فصلنامه امنیت ملی، شماره سی و نهم، ۱۳۹-۱۶۰.
- حاجیان، مسعود، حسنی، محمدحسن و رضوی، سیدمرتضی (۱۳۹۷)، *آیین دادرسی افتراقی جرائم سیاسی در نظام حقوقی ایران*، فصلنامه تخصصی حقوق، علم و وکالت، سال اول، شماره دوم، ۶-۷۹.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۷)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- خالقی، علی (۱۳۸۳)، *علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی*، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۵، نیمسال اول، ۲۹-۴۹.
- رامهر، ایرج (۱۳۸۵)، *بررسی مفهوم امنیت ملی*، فصلنامه پژوهشی آموزشی علوم و فنون نظامی، سال

- دوم، شماره ۵، ۲۵-۳۹.
- زراعت، عباس (۱۳۸۴)، *تفکیک جرم نظامی و عادی و اثر آن در صلاحیت مرجع قضایی*، ماهنامه دادرسی سازمان قضایی نیروهای مسلح، شماره ۵۱، ۱۸-۲۶.
  - زراعت، عباس (۱۳۷۹)، *مشروعیت دادگاه انقلاب و چند ملاحظه*، ماهنامه دادرسی، سال چهارم، آذر و دی، شماره ۲۳، ۳۰-۳۳.
  - سنگلجی، محمد (۱۳۸۰)، *آئین دادرسی در اسلام*، قزوین، انتشارات طه.
  - شمس، عبدالله (۱۳۸۷)، *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*، تهران، انتشارات دراک، چاپ هفدهم، جلد نخست.
  - صالح‌نیا، علی (۱۳۹۵)، *بررسی نظری مفهوم امنیت ملی و ابعاد مختلف آن*، مجموعه مقالات کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
  - ضیایی چاهگاهی، سیدیا سر، جمشیدی، علیرضا و آشوری، محمد (۱۳۹۹)، *افتراقی شدن دادرسی کیفری جرایم اشخاص حقوقی؛ مبانی، ضرورت و ضوابط*، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۶، شماره ۱۱۹، ۲۹۵-۳۲۶.
  - عسگری، غلامحسین (۱۳۹۰)، *دادرسی‌های اختصاصی کیفری*، تهران، انتشارات خرسندی.
  - قدمی، بهروز (۱۳۸۲)، *بررسی عوامل اطاله دادرسی*، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران، پردیس قم.
  - کوشکی، غلامحسین و علیزاده سرشت، نادر (۱۳۹۴)، *نگاهی به قلمرو جرائم امنیتی در پرتو صلاحیت دادگاه انقلاب*، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره ۱۲، ۹۹-۱۲۴.
  - گلدوست جویباری، رجب، اشرفی، محمود و ناظریان، حسین (۱۳۹۱)، *صلاحیت تخصصی یا اختصاصی محاکم کیفری در ایران*، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۵۸، ۱۵-۱۳۹.
  - گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۷)، *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*، تهران: انتشارات میزان. چاپ هفدهم.
  - ماندل، رابرت (۱۳۸۷)، *چهره متغیر امنیت ملی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
  - مجیدی، سیدمحمود (۱۳۸۴)، *آیین دادرسی افتراقی ناظر بر جرائم علیه امنیت در سیاست کیفری ایران و فرانسه*، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع)، شماره ۲۸، ۱۴۳-۱۷۰.
  - محمودی، فیروز (۱۳۸۲)، *مبانی، اصول و شیوه‌های جرم انگاری*، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
  - مختاری، عبدالله (۱۳۹۹)، *ابعاد نفوذ رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان از منظر تأثیرگذاری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه امنیت ملی، سال دهم، شماره ۳۷، ۱۲۷-۱۵۰.
  - میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲)، *حقوق کیفری اختصاصی ۳*، تهران، انتشارات میزان.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۶)، *جرم‌شناسی تروریسم*، تقریرات درس جرم‌شناسی دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه پردیس قم.
- نوریان، علیرضا و سلیمی، احسان (۱۳۹۶)، *مهلت معقول در مرحله پیش‌دادرسی کیفری؛ از سازوکارهای اعمال تا ضمانت اجرای تقض*، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و چهارم، شماره ۹۲، ۲۲۹-۲۵۴.
- وطنی، امیر و نرگسیان، محمد (۱۳۹۷)، *جایگاه اصل رسیدگی در مدت معقول در فرایند کیفری*، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۴، شماره ۸۴، زمستان، ۲۶۳-۲۸۲.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۵)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر میزان، چاپ یازدهم، جلد دوم (حاکمیت و نهادهای سیاسی).

## ب. منابع انگلیسی

- Amnesty International Publication (1987), Documents sent by Amnesty International to the Islamic Republic of Iran, First Publish 1987 by Amnesty International Publication.
- Anthony bradly (eds) (2000), European human rights law, text and materials, 2nd, e.dn. oxford. Oup.
- Gilligan, Francis A (1975), Speedy Trial, The army lawyer, October.
- Lorenzi, Bernardini and Gritti V. (2013), European Court of Human Rights, Application No: 13301/87, 27/02/1992, Italy, in: (<http://hudoc.echr.coe.int/sites /eng /pages/search. aspx: Reasonable Time>), Last Visit: Winter.
- Rosen, Gerald E (2006), "The war on terrorism in the courts", Cardozo public law, Policy and Ethics Journal, Volume 5, number 1.
- Thackrah, John Richard (2004), Dictionary of Terrorism, Rutledge, London.

